

چشم انداز پرشور

[مقاله زیر یکی از مدارک درونی و آموزشی سازمان مجاهدین خلق ایران است که در ۱۳۴۶ نوشته شده و در سال ۱۳۵۱ به نام مجاهد شهید سعید محسن منتشر شده است. این مقاله نشان دهنده بینش سازمان مزبور در آن مرحله است و چشم انداز پرشوری که مجاهدین از مبارزه انقلابی خویش داشتند. ما این سند را از روی نشریه «باختر امروز» شماره ۳۲، آذر ۱۳۵۱ نقل می کنیم. «باختر امروز» گاهنامه ای بود که «جبهه ملی ایران در خاورمیانه» که بعدها «سازمان وحدت کمونیستی» نام گرفت، منتشر می کرد. آرشیو سازمان پیکار]

سؤالی که امروز برای اغلب افراد، به ویژه آنان که استنباط سازمانی قوی ندارند و کسانی که دارای قدرت درک شرایط و امکانات موجود نیستند، وجود دارد اینست که: «آیا در چنین شرایط سهمناکی مبارزه پیروز امکان پذیر است؟»

این پرسشی است که امروز پرسنده اش زیاد و پاسخگویی کم است. منشا این سؤال چیست؟

گذشته از عوامل تاریخی و مبارزات ناکام گذشته که در پیدایش چنین سؤالی موثرند، باید به پدیده دیگری که زائیده شرایط زمانی ست بیشتر توجه داشت. شرایط میهنی و کانونهای ملت‌گوشه و کنار جهان نشان داده اند که کسب پیروزی در مبارزه امری آسان نیست. برای کسب پیروزی در میدان نبرد دست پر باید داشت.

اندیشه، جسارت، جانبازی، پرهیزکاری، سعه صدر، صداقت، حل شدن در امر نبرد، اینها و نظایر اینها سکه هائی ست که برای کسب پیروزی باید همراه داشت. به این ترتیب، مبارزه پیروز آنطور که بسیاری در گذشته گمان میکردند امر ساده ای نیست بلکه از مشکل ترین مسائل عصر ما است. ساده اندیشی در این مورد سرانجامی جز ناکامی نخواهند داشت و درست در همین جا ست که ناکامی های گذشته وقتی با اقدامات ضد مردمی رژیم توأم میشوند افراد را تحت تاثیر منفی و کشنده خود قرار میدهند. در این زمان ترس و ناامیدی به صورتهای مختلف ظاهر میشود. عده ای به بهانه اینکه دارای سرمایه کافی برای ورود در بازار نبرد نیستند، می ترسند، عده ای به منفی بافی روی می آورند زیرا از اعتراف به ترس خود شرمسارند، گروهی به لفاظی و سیاست بازی می پردازند چون از درهم ریختن شخصیت مجازی خود هراس دارند و نمی خواهند مشت خالی خود را باز کنند. عده ای در زیر بار نارسائی اندیشه منکوب میشوند و عده ای هم که خود را پیش کسوت می انگارند به پند و موعظه میپردازند و توصیه میکنند که شتر رمیده را به حال خود واگذارید.

در چنین شرایطی همه چیز سهمگین جلوه میکند. هر عمل رژیم دلیل بر قدرت شکست ناپذیر او جلوه میکند. دشمن با دامن زدن به این شرایط چنین می نمایاند که تفوق مطلق از اوست و سیه روزی و شکست از آن حریف. بیهوده نیست که برای بسیاری نحوه فشار دستگاه های جاسوسی دشمن سخت هراس آور است و زندان و وقایعش موجب وحشت.

تحت شکنجه بودن، تیرباران شدن، در زیر سرنیزه جلا دادن جان دادن، سالها در سلول زندان بسر بردن چیزهائی هستند که حتی تصور آنها موی بر اندام آدمی راست میکند. متواری بودن، گرسنگی، فقر، خانه به دوشی، و در عین جوانی و شادابی لباس ساده پوشیدن و به اندک ساختن، خانه و کاشانه را ترک گفتن، ترک زن و فرزند و عزیزان در راه هدفهای عالی انسانی کارهائی هستند که در نظر آنان تنها از عهده افراد نادر الوجود و خارق العاده بر می آید. آنان که دچار چنین اضطراب درونی میگردند در زمینه مبارزه و سیاست دچار مالیخولیا خواهند گشت.

ولی با تمام اینها سدهای راه تکامل شکست پذیرند و این امر ناشی از ماهیت آنهاست و ما نه تنها چنین رویدادهای را دلیل سرخوردگی و یأس نمیگیریم بلکه معتقدیم که آنها خوبند و بسیار هم خوبند زیرا تنها شداوند و شرایط مشکل اند که یک عصیانگر انقلابی را آبدیده میکنند.

اینکه زمانه و شرایطش ما را در جهت پذیرش ایدئولوژی "شهادت انقلابی" رهنمون شده اند بسیار خجسته است و خجستگی بیشتر آنگاه که ما مردانه چنین سیر شورانگیزی را پذیرا شویم.

پیدایش مرز جنبش و ضد جنبش:

شرایط سخت و دشوار عامل مرز بندی دقیق بین جنبش و ضد جنبش است. پیدایش مرز بین جنبش و ضد جنبش، انقلاب و ضد انقلاب خود دلیل بر تکامل مبارزه است زیرا تنها در چنین صورتی است که برای فرصت طلبی و سازشکاری محلی باقی نخواهد ماند.

فرصت طلبان و سازشکاران و آنها که باصطلاح یکی به نعل میزنند و یکی به میخ، مواضع خود را از دست خواهند داد و در این شرایط تنها مردان مصمم هستند که بار سنگین نبرد را به دوش میکشند و دارای قدرت ادامه نبرد و بسیج [جهت] آگاه نمودن توده ها در هر گونه شرایط سخت میباشند.

آیا درک این مسأله برای همه میسر است؟ مسلماً نه. تنها کسانی قدرت این کیفیت را دارند که به اندیشه علمی و اراده مجهزند. شرایط را عمیقاً می شناسند و مطابق با شرایط، در خود، آمادگی ایجاد میکنند. بر ماست که بکوشیم تا در شمار چنین افراد درآئیم. سازمان در بر گیرنده این عناصر نیز سازمانی است که خود ثمره شرایط خاص و دشوار محیط است. "بین ریشه های وجودی چنین سازمانی و شرایط محیط رابطه مستقیمی وجود دارد".

شکل سازمانی در شرایط خاص محیط:

رژیم موجود دارای شکل پلیسی است و قوای اطلاعاتی برای او جنبه محوری دارد. تکامل رژیم را در وهله اول و مقدم بر همه بایستی در تکامل سازمانها و نیروهای جاسوسی اش جستجو کرد و به همین جهت رژیم سعی وافر به گسترش تور پلیسی و جاسوسی و احیاء مظاهر آن یعنی وحشت و اضطراب و بی اعتمادی در افراد نسبت به یکدیگر، ولو به طریق تصنعی دارد.

افشاندن بذر بی اعتمادی و اضطراب مهمترین وسیله ایست که رژیم جهت کنترل مردم بکار می برد. با توجه به خصوصیت پلیسی رژیم، دفاع از تر سازمان سیاسی محدود در مقابل سازمان سیاسی گسترده دفاعی است منطقی و مطابق با شرایط حاکم محیط. زیرا دشوار است که بتوان یک سازمان سیاسی گسترده را برای مدت طولانی در دامان یک سیستم پلیسی حفظ کرد. زیرا برای یک سازمان سیاسی گسترده خطر تماس با تور نامرئی پلیس به مراتب زیادتز از یک سازمان سیاسی محدود است.

با توجه به خصوصیات رژیم و شرایط حاکم بایستی برای خلق چنین سازمانی، اصول زیر را به عنوان اصول سازمانی پذیرفت:

۱- تبدیل کمیت محدود به کیفیت نیرومند:

آیا این محدودیت به این معنی است که نفرات یک سازمان سیاسی از چندین نفر متجاوز نباشد؟ نه، بلکه منظور تبدیل کمیت محدود به کیفیت نیرومند و گسترش بالقوه در سازمان [است]، نه بالفعل. باید گسترش را در خمیره سازمان ذخیره کنیم و نیروی کیفی سازمانی را فزونی بخشیم.

در صورتی که یک سازمان سیاسی محدود دارای گسترش بالقوه و نیروی کیفی کافی باشد در هنگام مقتضی قادر است که گسترده [شود] و پایگاههای خود را [در] اقصی نقاط خلق کند. گسترش بالقوه و کیفی از نظر عملی یعنی اینکه هر فرد از چنان کیفیت و خلاقیتی برخوردار باشد که بتوان وجود یک سازمان نیرومند را در او ملاحظه کرد و به این وسیله قادر باشد که نقص کمی سازمان را جبران سازد. چنین عنصر ارزنده ای مجهز به نیروی اندیشه و دستاوردهای ارزنده در زمینه های سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیکی و سازماندهی است. دارای یک استنباط سازمانی روشن و یک شناخت عمیق از کم و کیف جامعه و دارای قدرت جمع بندی تجربیات است.

صاحب ابتکار و خلاقیتی در توجه [کردن] است و قادر بدرك مسائل امنیتی بمعنی تجهیز خود و سازمان در مقابل توطئه های پنهان پژوهان پلیس و ایجاد باروی نفوذ ناپذیر به گرد سازمان میباشد و خلاصه اینکه او تجسم و تبلور آن چیزی است که در آینده تمام جامعه باید آن گونه باشد. او حامل چنین پیامی شورانگیز و جذاب برای مردم است.

۲- بالا بردن دانش سیاسی:

یکی از ویژگیهای خطرناک سیستم پلیسی شیوع تفکرات اپورتونیستی (فرصت طلبی) است. دو علت میتوان برای شیوع چنین تفکراتی برشمرد.

الف: حاد شدن شرایط مبارزه و اینکه شرایط سخت عده ای را بجای عمل وادار به خیالبافی میکند.
ب: اقداماتی که از طرف سازمانهای فرهنگی منحط و مخدر پلیس برای اشاعه این اندیشه ها صورت میگیرد.

این اقدامات در همه جا به چشم میخورد. از کلاسهای درس دانشکده گرفته تا پایین ترین اجتماعات فرهنگی، از طریق علمی ترین کتب درسی، تا ساده ترین مجالس روضه خوانی... فرصت طلبی و ابن الوقتی - یعنی "منافع جمع را فدای منافع فردی ساختن، سود فردی را بر منافع جمع ارجح داشتن" - از خطرناکترین دشمنان يك سازمان انقلابی است که بایستی با آن به شدت مبارزه شود و از ظهور چنین افکاری بطور جدی جلوگیری گردد. راه جلوگیری از به وجود آمدن چنین افکاری بالا بردن دانش سیاسی افراد سازمان میباشد.

۳- اصل تخصص در عضوگیری با توجه به حاکمیت سیستم پلیسی:

يك سیستم پلیسی در جهت گسترش تور نامرئی خود میکوشد تا در هر سازمانی رخنه کند و برای این منظور از تنها راه نفوذ به سازمان یعنی مساله عضوگیری استفاده میکند. بهمین جهت بایستی در انتخاب افراد جدید سازمان بسیار دقیق و هوشیار بود و باین وسیله این راه را مسدود ساخت. عضوگیری [باید] تنها از طریق افرادی صورت گیرد که ورزیدگی و تخصص لازمه را برای این منظور کسب کرده باشند. بی تجربگی و ساده اندیشی در این مورد، [به معنی] به بازی گرفتن موجودیت سازمان (۱) است.

۴- بهره گیری از زمان و انرژی بمتابه دو عامل حیاتی و تعیین کننده:

يك سیستم پلیسی میکوشد که با وسایل مختلف دو عامل تعیین کننده زمان و انرژی را تباہ سازد. يك رزمنده آگاه برای مقابله با این برنامهء ضد مردمی رژیم باید از این دو امکان حیاتی یعنی زمان و انرژی بهره گیرد و از اتلاف آنها جلوگیری کند. آنگاه که توانستیم از این دو عامل حداکثر استفاده را ببریم صاحب اراده ای شکست ناپذیر خواهیم بود.

از آنچه گفته شد میتوان چنین نتیجه گرفت که شرایط دشوار کنونی برای مان نه تنها بد نیست بلکه از آنجا که دشواریها تعیین کنندهء مرز دقیق بین جنبش و ضد جنبش، انقلاب و ضد انقلاب اند، انتخاب طبیعی، پایه و اساس پیدایش عناصر ارزنده و در نتیجه رهبری خواهد [بود] و حکومت عادات و سنن که منجر به پیدایش يك رهبری مصنوعی میشد، نابود میگردد. تنها در این صورت است که رهبری و زعامت را کسانی به عهده خواهند گرفت که صلاحیت و شایستگی خود را برای احراز این مقام نشان داده اند و این همان شیوه ای ست که در مبارزات ضد امپریالیستی جهان به چشم میخورد. پس بر ماست که دشواریها را استقبال کنیم و نگذاریم که توسط آنها منکوب شویم.

یادداشت:

۱- البته مقصود این نیست که فقط عدهء معدودی متخصص به امر عضوگیری پرداخته و سایرین در این مورد هیچ مسئولیتی نداشته باشند، بلکه بی تجربگی افراد عضوگیر بایستی با استفاده از تجربهء برادران و مشورت با آنان جبران گردد و در ضمن فرد پس از عضوگیری صحیح و دقت کامل در نکات مهم آن، تخصص لازمه را کسب خواهد نمود.